

پیامبر (ص) فرموده است: کسی که با داشتن مفکوره قوم پرستی

بمیرد یا به قوم پرستی دعوت کند و یا برای دفاع از قوم پرستی

بجنگد از امت من نیست!

خطر جنگ داخلی و برگشت دوباره به حمام خون

محمد حسن حکیمی

بعد از شکست طالبان و به وجود آمدن اداره موقت مردم انتظار داشتند که صلح دائمی در کشور برقرار می شود. آنها دست از جنگ کشیدند، از اسلحه و تفنگ دوری کردند. امنیت در تمام ولایت غور حاکم بود و مردم در یک فضای صمیمی زندگی میکردند. طی دوازده سال، حکومت در برخی عرصه ها، دست آوردهای چشمگیری هم داشت. هزاران تن دانش آموز و دانشجو به مکاتب و دانشگاه ها راه پیدا کردند. زمینه کار و اشتغال برای هزاران تن مساعد شد. اعمار صدها پروژه بازسازی تغییرات ملموسی در زندگی اقتصادی مردم به وجود آورد. اوضاع بهداشتی و صحت و سلامتی تا حدودی بهبود یافت و بندهای برق آبی کوچک در برخی مناطق خانه های مردم را روشن ساخت.

امروز اما مردم ولایت غور در یک جنگ خانمان سوز و ویرانگر به سر می برند که به خاطر منافع چند نفر در این ولایت به راه افتاده است. فرصت طلبان مردم را به اقوام مختلف، مناطق مختلف و گروه های مختلف تقسیم کرده اند. آنها برای به دست آوردن منافع اندک خودشان مردم را به جان هم انداخته تا خون بریزند، آتش بزنند و کینه خلق کنند. تفکر طالبانی و اندیشه ویران کردن کشور در غور زمینه وبستر اجتماعی ندارد اما فرصت طلبان با استفاده از تعصبات قومی و جناح بندی های گذشته مردم را تحریک می کنند و خودشان از آب گل آلود ماهی می گیرند. امروز غور به یکی از ولایات نا امن تبدیل شده است. امروز خانه ای نیست که در آن ترس و وحشت راه نیافته باشد. راه ها پر از دزد و رهن و قریه ها پر از تفنگ و تفنگدار که یا به خاطر ترس جان و دفاع از خود یا به امر فرصت طلبان و زورمندان به خشونت متوسل شده اند.

یکی از دلایل نارضایتی مردم هم به مدیریت ضعیف برخی از نهادهای دولتی برمی گردد. در حال حاضر در ادارات دولتی در برخی از ریاست ها تمام تلاش وهم و غم برای پر کردن جیب و کار برای قوم و خویش خود جریان دارد. متأسفانه هیچ گونه نظارت و بازپرسی هم از مقامات رهبری ولایت وجود ندارد. دید و بازدید از ریاست ها و کنترل و نظارت دیده نمی شود و این ریاست های فساد پیشه بیشتر از مخالفان مسلح دولت بالای روحیه مردم تاثیر منفی می گذارد و مردم را از دولت دور می سازد.

تعصبات قومی و منطوقی و ایجاد گروه های مسلح و جبهات نظامی خطر آن را قویا ایجاد کرده است که غور مانند سالهای پیش از طالب به جنگ داخلی کشانیده شود و یک انقلاب سرتاسری و یک حمام خون مردم را ناخواسته به کام خود فرو ببرد. مردم غور باید درک کنند که از این جنگ ها و مکر و فریب ها غیر از کشته شدن و غم کشیدن و تاوان دادن فایده ای برای هیچ کس متصور نیست. مردم غور سنگر دوم مقام در برابر وحشت طالبان بود. جای تأسف است که امروز قهرمانان مقاومت به جای مزدبگیران و فرمان بران طالبان اجنبی قرار گرفته اند. بیایید برای سربلندی غور و آرامش مردم خود از منافع شخصی و متاع اندک دنیوی بگذریم و دین و دنیای خود را خراب نکنیم. غور از ماست، جز خود غوری ها هیچ کس به آن دل نخواهد سوختاند. بیایید از بزرگان مناطق هزاره جات یاد بگیریم و سرزمین خویش را در امن و امان نگهداریم و اختلافات را از راه های سیاسی و روش های مسالمت آمیز حل و فصل نماییم.

خشکسالی در غور حاصلات مردم را از بین برده است

سیدانور رحمتی والی غور می گوید که از اثر خشکسالی در این ولایت، ۷۵ درصد حاصلات مردم از بین رفته و هزاران تن، در معرض خطر قرار دارند. این اظهارات را والی غور، در یک کنفرانس خبری اظهار داشت. وی افزود که درین ولایت، ۱۰۴ هزار نفر به کمک شدید نیاز دارد و برای رسیدگی و کمک به افراد آسیب پذیر، ۲۲ هزار تن مواد خوراکی؛ و بخاطر جلوگیری از تلف شدن حیوانات، بیش از یک صد هزار تن علوفه حیوانی نیاز است.

رحمتی گفت که ۹۵ درصد باشندگان این ولایت، به زراعت و مالداری مشغول اند و اکثر مردم در زیر خط فقر زندگی می کنند و کمیته اضطرار غور، تنها دو هزار تن گندم در اختیار دارد که بسیار ناچیز است. موصوف علاوه کرد که این آمار، از طرف ادارات ذریبط دولتی درغور آماده گردیده است.

والی غور، از جامعه جهانی و دولت افغانستان خواستار کمک فوری شد و گفت که غور، یک ولایت کوهستانی، سرد و سخت گذر می باشد؛ اگر اقدام جدی نشود، راه های مواصلاتی این ولایت، در زمستان برای مدت پنج ماه مسدود می شود، که از اثر آن، فاجعه انسانی رخ خواهد داد. محمد داود، یک تن از دهاقین غور گفت که تمام حاصلات آنها، از بین رفته است.

موصوف افزود: "اگر دولت توجه نکند، ما مجبور استیم، مهاجر شویم؛ تمام خانه و زندگی خود را به فروش برسانیم؛ غیر از کشت و زراعت دیگر هیچ عاید نداریم."

رحمتی والی غور:

برخی اعضای شورای ملی و کابینه از افراد مسلح و زورمند حمایت می کنند



سید انور رحمتی والی غور، در گفتگوی با ۲۱، افراد مسلح غیرقانونی را خطرناکتر از طالبان خوانده، می گوید که افراد مسلح و زورمندان، از طرف بعضی نمایندگان غور در شورای ملی و اعضای کابینه حمایت می شوند. والی غور، گفت که این افراد، وابسته به نمایندگان غور در شورای ملی و برخی اعضای کابینه بوده و یا از سوی آنها حمایت می شوند؛ آنها مانع اقدامات مقامات محلی می گردند و از همین رو، مقامات محلی غور توان برخورد با آنها را ندارد.

رحمتی افزود: "نمایندگان غور در شورای ملی، در کارهای اداره ولایت نیز دخالت می نمایند و حتی در تبدیلی و تغییرات نیز دست دارند تا تغییر یک پیاده؛ و این کار سبب تضعیف اداره محلی و کندی روند کاری ما شده است." والی غور، از کسی نام نبرد و گفت که گرفتن نام آنها باعث مشکلات بیشتر اداره محلی می گردد؛ چون زمانی که اداره محلی با آنها درگیر شود، حمایت نخواهد شد.

به گفته وی، افراد مسلح غیرقانونی، خطرناکتر از طالبان مسلح بوده و سبب بیشتر شدن ناامنی در این ولایت میباشند.

سال گذشته مسوولان برنامه انحلال گروه های مسلح غیرقانونی (دایاک) در غور، گفته بودند که براساس تخمین آنها، حدود ۱۵ هزار نفر تحت قوماندان ۱۵۷ قوماندان مسلح غیرقانونی، درین ولایت وجود دارند؛ اما مسوولان دلاور شاه دلاور قوماندان امنیه غور می گوید حدود شش هزار نفر مسلح غیرقانونی در ترکیب یک صد و سی و دو گروه، در این ولایت وجود دارد که در بعضی مناطق، با طالبان مسلح نیز همکاری دارند. وی نیز مدعی است که شماری از نمایندگان غور در شورای ملی و شورای ولایتی، با داشتن گروه های مسلح، در مناطق مشخص فعالیت دارند و اکثریت افراد مسلح از سوی آنها پشتیبانی می شوند.

به گفته این مقام امنیتی، بعضی از اعضای کابینه نیز از افراد مسلح حمایت می نمایند و برخی ازین قوماندانان مسلح، در چوکتا پولیس نیز می باشند که افراد و گروه های مسلح دارند.

آقای دلاور گفت: "این افراد سبب ناامنی در ولایت غور بوده، از مردم باج می گیرند، مرتکب تجاوز جنسی و نقض حقوق بشر می شوند و محاکم صحرائی، از طرف همین افراد انجام می شود."

این در حالی است که منابع محلی در غور می گویند که یک گروه از افراد مسلح غیرقانونی که به تجاوز گروهی بر یک زن فقیر متهم هستند، بعد از گذشت دو ماه از این قضیه تا کنون بازداشت نشده اند.

یک زن ۳۰ ساله که همسر یک چوپان فقیر است، در گفتگو با ۲۱، مدعی شد که حدود دو ماه پیش، یک قوماندان مسلح با چهار تن از افرادش، به زور به خانه شان در مربوطات چغچران وارد شده و به صورت گروهی بر وی تجاوز کرده اند.

سرهنگ (سمونوال) دلاور قوماندان امنیه غور گفت که افراد مسلح غیرقانونی، در قاجاق مواد مخدر و سلاح نیز دست دارند و حمایت بزرگان سبب می شود که مسوولان محلی نتوانند این افراد را خلع سلاح نمایند. وی افزود که بعضی از این افراد در شورای صلح نیز عضویت دارند.

فضل الحق احسان رییس شورای ولایتی غور نیز عضویت افراد مسلح غیرقانونی را در شورای صلح تایید نموده، گفت: دولت به خاطر اینکه افراد از جنگ دست بکشند، آنها را در شورا عضویت داده است.

وی نیز ادعا کرد که شماری از نمایندگان در مجلسین شورای ملی، افراد مسلح دارند و در آشوب و مشکلات درغور دخیل اند و مانع صلح و امنیت می شوند. بقیه در ص ۲



حقوق زنان از دیدگاه دین مقدس اسلام

برخی اعضای شورای ملی و کابینه ...

سیما جوینده نماینده مردم ولایت غور در مجلس نمایندگان، نیز می گوید که احتمال دارد بعضی از وکلا با گروپ های مسلح غیرقانونی دست داشته باشند؛ اما از کسی نام نبرد. وی گفت: "افراد مسلح غیرقانونی، باعث ناامنی و آزار و اذیت مردم می شوند و بعضی از مردم به خاطر دفاع در برابر این افراد، مسلح شده اند."

در عین حال، باشندگان غور از فعالیت افراد مسلح و زورمندان به تنگ آمده و خواستار خلع سلاح آنان هستند.

گل احمد باشنده منطقه الله یار مرکز غور گفت: "در این منطقه اکثریت مردم سلاح دارند و افراد مسلح غیرقانونی همیشه باهم درگیر می شوند، جوانان را مجبور به سلاح گرفتن می نمایند که در درگیری های ذات البینی آنها کشته شوند، از مردم باج می گیرند حتی چند بار به زنان در این منطقه تجاوز نموده و زنان را به قتل رسانده اند."

وی ادعا کرد که این افراد، از طرف دو عضو شورای ملی حمایت می شوند و بعضی مردم، از ظلم و جنایت این افراد مسلح فرارنموده اند؛ اما مشخصاً از کسی نام نبرد.

در ادامه درگیری ذات البینی دو قوماندان مسلح غیرقانونی در منطقه الله یار که حدود هشتاد کیلومتر از چغچران فاصله دارد و با ولایت بادغیس هم سرحد است، پنج تن از طرفین کشته شد، دو تن جراحت برداشت و شش تن اسیر گردید.

افراد مسلح غیرقانونی، مانع فعالیت های معارف نیز می گردند.

صبغت الله اکبری رییس معارف غور گفت که این افراد تلاش دارند که در معارف غور نفوذ نمایند و از فرستادن معلمین مسلکی جلوگیری می نمایند.

اکبری پذیرفت که قوماندان مسلح و افراد شان، به حیث معلم اجرای وظیفه می نمایند و مکاتب را یک منبع عایداتی برای خود فکر می کنند.

غلام محمد باشنده ولسوالی دولینه ادعا می کند که ولسوالی آنها از جمله ولسوالی هایی است که بیشترین افراد مسلح و قوماندانان زورمند دارد.

وی افزود: "این افراد از مردم به زور پول می گیرند و مردم را محاکمه صحرائی می نمایند."

به گفته غلام محمد، بعضی از این زورمندان یا عضو شورای صلح بوده، یا به پروسه صلح پیوسته و از این پروسه برای خود و افراد شان معاش می گیرند و زمانیکه به مرکز غور می روند، در موترهای پولیس گشت و گذار می نمایند.

وی مدعی است که در این اواخر ۱۰۰ پولیس محلی نیز به ولسوالی داده شده که بین این قوماندانان تقسیم شده است و افراد شان را به حیث پولیس محلی استخدام نموده اند.

فعالان جامعه مدنی غور نیز از گسترش فعالیت های افراد مسلح غیرقانونی نگران اند.

غلام ربانی هدفمند فعال مدنی گفت که جامعه مدنی و رسانه های محلی که بیشتر اوقات برای مشکلات، دادخواهی می نمایند و صدای خود را در مقابل ظلم و جنایت افراد مسلح غیرقانونی بلند می کنند، آنها این دادخواهی و بلند کردن صدا را مانع فعالیت های خود فکر می کنند و با تهدیدات می خواهند صدای جامعه مدنی خاموش شود.

وی افزود: "این افراد جنایات زیاد نموده و مرتکب نقض حقوق بشر می شوند؛ اما کسی از آنها پرسیان نمی کند و آنها را مواخذه و مجازات نمی نماید."

حق قانونی زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

استاد غلام ربانی هدفمند

دین مقدس اسلام حقوق قانونی را بنا گذاشته است. رضایت زن در عقد نکاح، رضایت زن در شیر دادن به طفل شرط است. اگر مردی، زنی را به قتل برساند جزای برای مرد قاتل داده می شود، مثلی که مردی را قتل کرده باشد. یعنی خون مرد با ارزشتر از خون زن در اسلام نیست بلکه هر دو مساویانه محترم است. در باب قصاص خداوند (ج) می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ و سوره بقره آیه ۱۷۸

« ای انسانهای که ایمان آورده اید، بر شما قصاص در کشتن، آزاد در مقابل آزاد، بنده در مقابل بنده و زن در مقابل زن لازم کرده شد. اما کسی که آنچه از خون برادرش بر وی است عفو کرده شد پس، حکم او به نیکویی پیروی کردنی است و یا رسانیدن خون بهاست به نیکویی. این حکم، سبک کردن است و مهربانی است از سوی پروردگار شما. پس هر که بعد ازین از حد گذرد، برایش عذاب درد ناک است.»

قاتل چه زن باشد چه مرد، قصاص می شود. همچنان مقتول چه زن باشد چه مرد، حکم و فیصله اسلام در باب جزای قاتل تغییر نمی کند و قاتل قصاص می شود. همچنان در جزا بین زن و مرد فرقی نیست. بریدن دست سارق و درّه زدن زانی از جمله جزا های است که بالای مرتکب عمل برابر است که مرد باشد یا زن بدون تفاوت تطبیق می شود.

حق سیاسی زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

در صدر اسلام زنان در مجالس، محافل و مسایل سیاسی شرکت داشتند و آزادانه نظریات و طرح های خویش را در تمام مسایل بدون ترس و هراس با جرأت اخلاقی کامل بیان می کردند. خداوند (ج) در مورد فرموده است:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ و سوره توبه آیه ۷۱

« و مردان و زنان مومن، بعضی شان دوستان بعضی دیگر شان استند. یکدیگر خود را به کار های نیک و پسندیده امر می کنند و از کارهای ناپسند منع می نمایند. آنها نماز را برپا می کنند و زکات را می دهند و خداوند (ج) و رسول او را اطاعت می کنند. آنها کسانی اند که مورد رحمت خداوند (ج) قرار می گیرند، به تحقیق که خداوند (ج) غالب و درست کار است.

امر به معروف و نهی از منکر که شامل همه ابعاد زندگی انسان ها در خانه، محل کار و اجتماع می شود، در این آیه کریمه به عنوان حق و تکلیف برای زنان و مردان صراحتاً تذکر یافته است، بناءً حق مسلم زنان است که در اجتماعات حضور یابند و بندگی خویش را در برابر خدا (ج) ادا نمایند و در بدل بذل مساعی و صرف انعام الهی در راه خدا؛ رضایت خدا (ج) را حاصل نمایند.

حق قضاوت زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

امام ابوحنیفه (رح) می گوید «در مواردی که شهادت زنان صحت دارد، قضاوت آنها نیز صحت دارد.» طبری و ابن حزم می گویند: «قضاوت زنان در همه امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، جنائی و ... صحت دارد.

حق اختیار زن در انتخاب همسر و نکاح از دیدگاه دین مقدس اسلام

زنان و مردان دو طرف مساوی در تشکیل خانواده اند که اگر یکی راضی و دیگری ناراض باشد یا یکی عادل و دیگری ظالم باشد، بار تشکیل خانواده به سرمنزل مقصود نمی رسد و نظام خانواده فاسد گردیده در نهایت از بین می رود. خداوند (ج) در این مورد می فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ و سوره روم آیه ۲۱

« از نشانه های وجود خداوند (ج) این است که ازواج شما را از جنس خود تان خلق کرد و میان شما دوستی و محبت آورد تا با آنها آرام گیرید. به تحقیق برای آنانکه صاحب تفکر و اندیشه اند، در این نظام، نشانه های وجود خدا (ج) است.»

سکون و آرامش روح و قلب محصول ازدواج است که طرفین عقد نکاح (زن و مرد) راضی باشند؛ زیرا جبر و اکراه نظام خانواده را فاسد می کند. در ازدواجی که به اثر جبر و اکراه به وجود آمده باشد، آرامش روحی وجود ندارد. علاوه به آن باعث از بین رفتن خوشی های دنیوی و اخروی می گردد؛ زیرا نکاحی که اساس و بنیادش را جبر و اکراه تشکیل داده باشد، همانگونه که برای طرفین عقد در دنیا سرگردانی می آفریند، ازین بابت که مورد پسند خداوند (ج) نیست؛ شخص زورگو و جبار در آخرت نیز مورد عتاب قرار می گیرد.

خداوند (ج) نکاح را پیوند مقدس دانسته و می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا و سوره نسا آیه ۱۹

« ای مؤمنان برای شما حلال نیست که زنان را به زور به میراث گیرید و ایشان ناخوشنود باشند. و منع مکنید ایشان را تا به دست آرید بعضی آنچه برای شان داده اید، مگر اینکه ایشان مرتکب گناه آشکار شوند (میتوان ایداد) و زندگی کنید با زنان به وجه احسن و نیکو و اگر شما بد رفتاری کنید و چیزی را خوش نداشته باشید شاید خداوند (ج) در آن خیر کثیر قرار داده باشد.»

ادامه دارد...

کارگاه یک روزه زنان و انتخابات

کارگاه یک روزه آموزش مسایل زنان و انتخابات از سوی مؤسسه « زنان افغان برای حمایت از دموکراسی» در دفتر حقوق بشر در شهر فیروزکوه برگزار شد. در این برنامه حدود سی و پنج تن از خانم ها اشتراک داشتند و موضوعاتی مانند: دولت، حکومت، قوای سه گانه، انتخابات، انواع انتخابات، انواع رأی گیری و موضوعات متنوع دیگر را فراگرفتند. خانم گل پیدا منش، مسوول مؤسسه به ۲۱ گفت که این دومین جلسه است که از جانب دفتر ما برای خانم ها برگزار می شود و پنج جلسه دیگر نیز در پنج ماه آینده برای خانم های مرکز ولایت و روستاهای اطراف، دایر خواهد شد.

برنامه آموزش های انتخاباتی برای زنان از سوی مجتمع جامعه مدنی حمایت می شود و علاوه از موضوع فوق الذکر چهار نهاد دیگر را نیز در بر می گیرد. خدایار واقف مسوول مجتمع نهادهای مدنی در ولایت غور می گوید که، ما از پنج نهاد مدنی به خاطر نشر و پخش آگاهی عامه در مورد صلح، حقوق بشر، انتخابات، حل اختلافات قومی و دادخواهی حمایت می کنیم و برای شان همکاری مالی داریم. وی اظهار امیدواری کرد که در آینده کمک های بیشتری برای نهادهای جامعه مدنی غور جذب شود تا آنها بتوانند مشکلات مردم را به نحوی بهتری بازتاب بدهند.



آموزش انتقادی و غیر انتقادی

نبی ساقی

آموزش انتقادی به شیوه یا روشی از یادگیری گفته می شود که در آن آموزنده، با نگاه انتقادی و پرسشگریانه به مواد آموزشی می نگرد و در مورد داده ها و آموزه ها، کنجکاوی می کند و چستی و جرابی و مفاد و مضار آنها را در ذهن خویش سبک سنگین می کند و به بررسی می گیرد. آموزش انتقادی الزاماً به معنای ایراد گرفتن و معایب چیزی را برشمردن نیست؛ بلکه آموزش انتقادی کوشش می کند ذهن شاگرد را در برابر چیزهای که فرا می گیرد انعطاف پذیر تر، باز تر و پرسشگرانه تر بار بیاورد.

در آموزش غیر انتقادی یا آموزش بسته، دانش آموز یا دانشجو منفعل و بی تفاوت نگهداشته می شود و به شخصیت معلم یا آموزگار و همین طور داشته های کتاب و مواد درسی به چشم یک پدیده یا موجود تقدس آمیز نگریسته می شود. در این روش آموزشی، ضریب جزم اندیشی و قاطعیت آموزنده بسیار بالا می رود و شاگرد زمینه آن را به دست نمی آورد که در برابر گفته های معلم یا کتاب، دید انتقادی داشته باشد و نظر شخصی یا دستگاه فکری خودش را در آن رابطه اهمیت بدهد و بامعیارها و ملاک های خودش آموختنی ها را در ترازو بگذارد.

در آموزش غیر انتقادی به کتاب و معلم بسیار بها داده می شود؛ اما به محتوا و داشته های کتاب یا معلم توجه چندانی صورت نمی گیرد؛ اما در آموزش انتقادی محتوای کتاب ها و دیدگاه های معلمان، نحوه استدلال نویسنده ها، قوت دلایل و سرانجام معیار های خود دانش آموز اهمیت پیدا می کند و آموزنده مطابق دستگاه دانایی و علمی خودش با مواد آموزشی رو به رو می شود و صحت و سقم، ضعف و قوت و یا فواید و اضرار آن را در ذهن خویش به سنجش می گیرد.

آموزش انتقادی باعث می گردد که شاگردان خلاق، مبتکر، بااعتماد به نفس، کثرت اندیش، انعطاف پذیر و مصلحت بین بار بیابند و جهان بینی وسیع تر و دنیای قابل تحمل تری را تجربه کنند؛ اما آموزش غیر انتقادی سبب کم دلی، جزم اندیشی، بی تفاوتی، سخت گیری، خودبرتربینی و معلم محور اندیشی شاگردان می گردد و در نتیجه باعث عقب ماندگی و عدم رشد مملکت می گردد.

نظام آموزشی کشور ما، در حال حاضر متأسفانه که تا حدود بسیاری متحجر و دگم اندیش است و به دانش آموز فرصت نمی دهد که استعدادها و توانایی های خویش را به نمایش بگذارد و برای سوال های که در ذهن اش خطوط می کشد، پاسخ بجوید. در مکاتب و مدارس ما، شوربختانه هنوز هم سوال کردن و انتقاد کردن بی ادبی و بی نزاکتی تلقی می شود و حتا در نتیجه نمرات دانشجویان و دانش آموزان اثر می گذارد و حتا گاهی باعث توهین و تحقیر و احیانا ضرب و شتم دانش آموز نیز می گردد. این موضوع سبب می شود که شاگردان در برابر آموزگاران، کم جرأت شوند و هر قدر مطالب نامفید، بی قوت و بی ربط هم که توسط آموزگار یا چپترهایش به خورد دانش آموز داده شود صدای انتقاد یا مخالفتی بالا نشود. نتیجه نهایی که از نظام آموزشی بی چون و چرا، می توان گرفت این است که علاوه از آنکه سرعت پیشرفت و ترقی کشور کند می شود، شاگرد بی تفاوت و بی علاقه نیز بار می آید و در زمان بزرگی هم، شخصیت معامله گر و بی تفاوتی از خود نشان می دهد و در برابر اتلاف حقوق مردم و نامالایمات اجتماعی و کجی ها و غلطی ها سکوت می کند و ظاهر و باطن رنگارنگی برای خود انتخاب می کند. امید می رود مسوولین نظام آموزشی و ما آموزگاران و مدرسان، بعد از این روی این نکات توجه و دقت بیشتر نماییم و به خاطر مثلاً حفظ اتوریته فردی و شخصیت کاذب خویش آینده مملکت و فردای روشن اولاد این سرزمین را به بازی نگیریم و به خاطر یک چوچه کیک، کل پوستین را به آتش نیندازیم.

وقتی که نیستی...

نبی ساقی

وقتی که نیستی چه کند شهر بعد ازین؟

دنیای خوب خلق شود زهر بعد ازین

شورای صلح و هونتل پامیر را ببند

دیگر چه صلح باشد و چه قهر بعد ازین

حالا نیاز نیست به جوی سیاه سنگ

از آب چشم شهر، بکش نهر بعد ازین

هرچه که زجر بود کشیدیم و هرچه جذر

دیگر چه می کشیم ازین دهر بعد ازین؟

سیدهای موسوی

خود را از این زمانه ی نامرد پس بکش

سیگار تکیه گاه بدی نیست... پس، بکش!

پایم نمی کشد که بیفتم به پای تو

خود را در این معادله در دسترس بکش

ما را همه... همه... همه تحریم کرده اند

حالا بیا و دور تن من قفس بکش

بستند گر چه راه نفس را ولی پدر!

از من مگیر سایه ی خود را نفس بکش

قحطی که با وجود تو معنا نمی دهد

پای تمام مزرعه را تا ارس بکش

.....

سیما نودری

تصمیم داشتم که تو را یک غزل کنم

و قتش رسیده است به قولم عمل کنم

این یک معادله ست که مجهولهاش را

باید به انزوا بکشانم و حل کنم

کندویمان عصاره نیش و کنایه هاست

زنبور می شوم که لب را عسل کنم

راحت کنار می کشم از این بهانه ها

تا شانه های خالی خود را بغل کنم

بوسیدنت خلاف قوانین کشور است

باید عمل به شیوه بین الملل کنم

باید به فکرهای سیاهم جهت دهم

اصلاً درست نیست تو را مبتدل کنم

آنچه بر خود نمی پسندیم به دیگران هم نپسندیم

اعتراض دانش آموزان و دانشجویان غور به 'سهیمه بندی' کانکور در افغانستان



صدها دانش آموز مکاتب ولایت غور، در مرکز افغانستان در اعتراض به سهیمه بندی کانکور امروز به مکتب نرفتند.

این دانش آموزان و دانشجویان با تجمع در مکاتب سلطان علاء الدین غوری، سلطان رضیه، دانشگاه غور و تربیت معلم، خواستار لغو 'سهیمه بندی کانکور' از سوی وزارت تحصیلات عالی افغانستان شدند.

وزارت تحصیلات عالی افغانستان طرحی را ترتیب داده که به اساس آن شمار کامیابان امتحان کانکور در هر ولایت به تناسب جمعیت و فارغان مکاتب آن، محدود می شود.

از این اعتراض مکاتب ولایت غور نهادهای جامعه مدنی، دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر ولایت غور، اتحادیه خبرنگاران، انکشاف ملی جوانان و حرکت خواهران این ولایت نیز حمایت کردند.

حسن حکیمی، یکی از اعضای جامعه مدنی با اعتراض به سهیمه بندی کانکور به ۲۱ گفت که این طرح خلاف روحیه وحدت ملی است و باعث کشته شدن استعدادها می شود. ما از حکومت افغانستان می خواهیم که این طرح را لغو کند.

معترضان قطعنامه ای را صادر کردند که در آن آمده است "ما سهیمه بندی دانش، تحصیل و آگاهی را خلاف تمام استانداردهای پذیرفته شدی علمی رایج در مجامع علمی می دانیم."

در این قطعنامه تاکید شده که این روند در تضاد با قانون اساسی کشور بوده و باعث افزایش فساد در نهاد های تحصیلات عالی خواهد شد. دانش آموزان و دانشجویان ولایت غور از حامد کرزئی رییس جمهور افغانستان و وزیر تحصیلات عالی خواسته اند، تا این طرح را از دستور کار خارج و برای راهیابی دانشجویان به دانشگاه ها تنها معیارهای علمی، اصل شایستگی و رقابت آزاد در نظر گرفته شود.



2013.07.17 09:15

قسیم اخگر و خاکستر روزگار

بیماری دنباله دار، آرام آرام قسیم اخگر را زمین گیر کرد! او حالا تخت به پشت خوابیده است، چشم بر آسمانهایی دارد که تنها ستاره گان فقر در آن می تابند. در چشمان او که دیگر به چراغ کم فروغی همانند شده اند، چه تصویری رنگ می گیرد! ما چیزی نمی دانیم. او خود میل به سخن گفتن ندارد، شاید نمی خواهد سخنی بگوید. شاید هم نمی تواند سخنی گوید! شاید با این سکوت دردناک می خواهد بگوید: عمری سخن گفتم در هوای داد و داد گستره؛ اما نا سزا شنیدم، عمری سخن گفتم؛ اما سوگمندانه این جا تا می بینی برگوش ها مهر است و بر دل ها مهر است. مردی که دیروز همه جا داد سخن می داد، و سخنانش چنان مشتی بر فرق همه فساد پیشه گان مدنی و غیر مدنی فرود می آمد، امروز توان سخن گفتن ندارد، امروز در تنهایی تلخی لحظه های دشوار زندگی را پشت سر می گذارد.

گاهی حس می کنم که قسیم اخگر سرنوشت روشنفکر افغانستان است که اگر اخگری هم شوند دستان سیاه روزگار می تواند او را در زیر خاکستر سرد فراموشی، بی اعتنایی و انتقام فرو برد! گاهی فکر می کنم که قسیم اخگر سرنوشت همه آن فرهنگیان افغانستان است که جامعه در بدل دهها سال کار علمی و فرهنگی حتا نمی تواند برای شان سرپناهی و لقمه نانی دهد؛ اما زمانی که دهان های ما به یاهه گویی های تاریخی باز می شود، ما را فرهنگ چند و چند هزار ساله است. بدون تردید تولید فرهنگ یک کار گروهی است؛ اما همیشه این شماری از فرهنگیان بوده اند که تمام جان شان را چنان آرسی بر سر تیری کرده اند تا باشد تیر فرهنگ و معرفت قوم و مردم خود را به فاصله دورتری پرتاب کنند و مرزهای گسترده تر فرهنگی داشته باشند.

دست کم دو سال پیش بود که شنیدم اخگر بیمار است، بیمار سخت، افتاده در بستر، نه کاری و نه درآمدی! آن روزها با تلویزیون یک همکاری داشتم، از سمیع مهدی مسؤل برنامه های سیاسی و خبری آن تلویزیون خواستم تا گزارشی در پیوند به حال و احوال اخگر به نشر برساند، او نیز جوانمردانه به همکاری هدایت داد تا به خانه اخگر بروند و از زنده گی او گزارشی بسازند که چنین شد. انتظار می رفت که رسانه های دیگر نیز چنین کنند. تا جایی که من می دانم چنین نکردند. من حس می کنم که قسیم اخگر نه تنها بر همه رسانه های غیردولتی؛ بل بر حوزه جامعه مدنی و جنبش روشنفکری افغانستان حقی دارد که نباید فراموش شود! من این جمله های پراکنده را برای ادای حق او نمی نویسم، چون می دانم روشنفکر در هوای پاداش کار روشنفکرانه خود نیست، همان گونه که مجاهد برای رضای خدا جهاد می کند!! من از روزنه تاریک این درد به این مسأله نگاه می کنم که اگر آتش اندیشه روشنفکر در ذهن افسون شده مردم در نمی گیرد، چرا رده های دیگر، گویا نخبه گان، نهادهای مدنی در چنین مواردی مهر بر دهن می زنند و این گونه کسی را به فراموشی می سپارند که سزاوار تجلیل است. مردی که ساعت های دراز در این همه رسانه ها در پیوند به رویدادهای سیاسی- اجتماعی کشور و منطقه به بحث هایی داغی پرداخته و با هر جمله ای که گفته آتشفشان خشم فسادپیشه گان اریکه نشین و آدم کشان ساطور به دست را بر انگیخته است، چگونه می توان او را در انزوای تاریک فراموشی از یاد برد! می دانیم اگر پاره ای از برنامه های برخی از تلویزیون ها به شهرتی رسیده است، بدون تردید، یکی از دلایل آن می تواند حضور شخصیت هایی مانند اخگر در چنین برنامه هایی بوده باشد.

باری جایی شنیده بودم که ژورنالیزم عاطفه ندارد و به هر چیز و هر رویداد به گونه یک افزار نگاه می کند. حال که اخگر از سخن گفتن و نوشتن مانده است، دیگر نمی تواند میز گرد این یا آن تلویزیون را به آوردگاه دانش و اندیشه بدل کند، در نشست این یا آن نهاد مدنی سخن گوید و برای بسیاری از آقایون و بانوان دم کرده ای که رهبری شماری از نهادهای مدنی را چنان قبضه کرده اند که گویی از نیاکان به میراث برده اند، مفهوم جامعه مدنی را تفسیر کند تا دیگر آن را جامعه مدنی نگویند!!! باید به فراموشی سپرده شود! در این سالها من نمی دانم که روزنامه هشت صبح از استاد اخگر چگونه پاسداری داشته است! من باور دارم که بخشی اعتبار هشت صبح در میان روشنفکران، نویسندگان و مردم بر می گردد به «قسیم اخگر» او نخستین مدیر مسؤل هشت صبح بود، هشت صبح در زمان او بود که راهش را در میان رده های گوناگون جامعه گشود! نمی خواهم پیش داوری کنم تا جایی که من پرسیده ام هشت صبح نیز در سالهای که اخگر نتوانست به کارش ادامه دهد، علاقه نداشته است تا دروازه خانه او را تک تک کند و دسته گلی برایش ببرد! اخگر برای هشت صبح هم تمام شده است. وقتی به چنین چیزهای می اندیشیم، این اندیشه توفانی ما را در بر می کشد که خدایا، آیا آخرین ستاره عاطفه و ارزش های انسانی در آسمان این سرزمین غروب کرده است! اخگر تا دیروز چه در بحث های رسانه ای و چه در گفتگوهای نهادهای مدنی استاد خوانده می شد، دانشمند، تحلیلگر و کارشناس این یا آن عرصه و اما حال که نمی تواند برای رسانه ها سود و ثمری داشته باشد، یا تریبون نشست این یا آن نهاد مدنی را گرم سازد، دیگر به تاریخ پیوسته است!

زمستان ۱۳۸۲ خورشیدی بود، تازه پس از پنج سال کار با بخش جهانی بی بی سی برگشته بودم به کابل. از آن زمان با اخگر آشنا شدم، من مسؤل بخش رسانه های اجتماع جامعه مدنی افغانستان بودم که رهبری آن را باتوی دانشمند آلمانی سوزان شمایدل برعهده داشت که می توان او را پایه گذار این نهاد نیز خواند. اخگر از نخستین همکاران قلمی مجله «جامعه مدنی» بود. شاید بتوان گفت که او از نخستین کسانی است که در پیوند به مفهوم جامعه مدنی، چیزهای سودمندی نوشته است. او در حالی به تفسیر جایگاه و فهم جامعه مدنی می نوشت که بسیاری از عنان داران تصادفی جامعه مدنی همان گونه که پیش از این گفته شد، آن را «جامعه مدنی» می گفتند. وقتی شخصیت سیاسی- فرهنگی چون قسیم اخگر این گونه به انزوا و حاشیه رانده می شود، من نمی دانم فرهنگیان کشور به فحوائ همان گفته معروف تا چه زمانی و به چه امیدی می خواهند دود چراغ بخورند تا کار کنند و چون از کار می مانند، دیگر در این سرزمین بی حافظه، تنها دروازه تنگ انزوا و تنگ دستی، بیماری و فراموشی است که به روی آنان گشوده شود!!!

نهاد اجتماعی و انکشاف ملی جوانان افغانستان

صاحب امتیاز:

نبی ساقی

مدیر مسؤل:

محمد حسن حکیمی

سردیر:

تیمور شاه احمدی

خبرنگار:

خان محمد سیلاب

دیزاین:

سید علی مشفق، دین محمد شکیب، معصومه انوری

گروه نویسندگان:

حبیب سرود و محمد حسین نبی زاده

n.saqee@gmail.com

آدرس الکترونیکی:

0799301212

۰۷۹۸۲۲۰۱۲۲ /

تیراژ: ۲۰۰۰ شماره



آدرس: چنچران، کوچه هلال احمر، نهاد اجتماعی و انکشاف ملی جوانان افغانستان.